گفت‌وگو با سیامک آقایی، نوازنده سنتور

جادوی آن جعبه خوش صدا

■ محمود امین

«ز بعد ما» عنوان یک DVD است که به همت سیامک آقایی و دوستانش خلق شد. این اثر حاصل پنج‌نوازی سنتورهایی است که در یک ترکیب متوازن و درست صدایی شنیدنی به گوش می‌رساند. این DVD بعد از گذشت چند سال با کیفیتی مناسب منتشر شده است. البته سیامک آقایی عضو گروه جاده ابریشم هم هست و کنسرت‌های متعددی با این گروه اجرا کرده است. او چندی پیش نیز به همراه پرویز مشکاتیان و گروه عارف به عنوان نوازنده قیچک آلتو هنرنمایی کرد که گویای استعداد فراوان او در موسیقی است. به مناسبت انتشار «ز بعد ما» با این نوازنده سنتور گفت‌وگویی کرده‌ایم که می‌خوانید.

■ سوای علاقه شما به سنتور چه نکته یا نکته‌هایی سبب شد که شما به فکر این بیفتید که پنج سنتور را همنشین کنید و قطعاتی برای آنها بنویسید؟

وقتی شما به یک سوژه علاقه‌مندید و این علاقه‌مندی باعث می‌شود مدتی روی آن سوژه فکر کنید بعد از مدتی درمی‌یابید این علاقه وجوه گوناگونی پیدا کرده است. مثلا ردیف موسیقی ایرانی را در نظر بگیرید. یک سوژه کلی است اما گردش ملودی، زمانبندی، فواصل و دستگاه‌ها و آوازها، سونوریته، ساز و هر کدام سوژه‌های مستقلی هستند که به نوع و اندازه خود جای کار کردن دارند. سوژه سنتور و طنین و صدای آن برای من چنین حکمی دارد. من سنتور را از وجوه مختلف دوست دارم و به سمتش حرکت کردم. بخش کوچکی از این حرکت و این علاقه‌مندی به گروه سنتور تبدیل شده است. بخش دیگرش جمع کردن نزدیک به ۵۰ سنتور در ابعاد مختلف با سونوریته‌های متفاوت است. گروه ما از میان هفت سنتورباس یکی را انتخاب کردیم. من نزدیک به ۴۰۰ جفت مضراب دارم که دیدن‌شان من را گیج می‌کند و لذت می‌بخشد. اینکه مضراب وجود دارد خودش یک سوژه است که می‌توان صفحه‌ها نوشت و ساعت‌ها نواخت و مدت‌ها اندیشه کرد. اگر خوب نگاه کنیم متوجه می‌شویم که هر پدیده‌ای وجوه مختلفی دارد که لذت‌های مختلفی می‌بخشد. قدم بعدی این است که از حدوم بیرسم چرا این لذت را به اشتراک نگذارم با دیگران. نی را نمی‌شود خیلی خوب کوتاه و بلند کرد یا همین طور تار را. نمی‌توان خیلی دست‌کاری کرد سازها را. اما سنتور این اجازه را به شما می‌دهد. سنتور سازی است دور از بدن و فواصل آنرو نداره و کوچک محدود است. این محدودیت ما را به فکر رنگ‌آمیزی سنتور انداخت که در نهایت یک ترکیب متفاوت از خود به جا گذاشت.

■ آیا سازهای دیگری را هم در این ترکیب امتحان کردید؟

سازهای دیگری هم در این ترکیب چک کردیم. وقتی ساعت‌ها ملودی نواخته می‌شود یک ساز ریتمیک هم می‌تواند خوب باشد. یا مثلا قیچک بساس را هم امتحان کردیم. البته که جواب می‌داد اما اصرار داشتیم ببینیم آیا امکان دارد آن خاصیت‌ها را با سنتور به وجود بیاوریم. مشکل عمده ما مضرابی بودن و صدای این حالت را تداعی کنیم. البته این صدا شبیه خودش است.

■ ستور سازی است که از صدای نیز و زنگ برخوردار است و تصور اینکه یک روز پنج ستور در کنار یکدیگر همنوایی کنند بسیار دشوار تلقی می‌شد. هراس نداشتید که چنین گروهی با این حجم بی‌الاق صوتی، مخاطب را پس بزند؟

اتفاق‌های گوناگونی افتاد. کار ما آزمون و خطا بود. تمام تلاش ما این بود که به جای صدایی تیز و به قولی دندان‌آزه‌ای به یک صدای گرد و گرم و منحنی‌دار برسیم. برای همین از میان چندین ساز به این پنج ساز رسیدیم. در واقع سازی که در این ترکیب صدایش بیرون می‌زد به راحتی حذف می‌شد. به عبارتی ما به‌خوان‌ترین سازها یمان را برای این مجموعه انتخاب کردیم.

در کنار این انتخاب سعی کردیم از تمام عواملی که تیزی و شدت صدا را کاهش می‌دهد استفاده کنیم. از مضراب گرفته تا چیزی که سازها گذاشتیم. در واقع هر چیزی که مربوط به سونوریته می‌شود را دستکاری کردیم تا به آن صدای گرد و منحنی برسیم.

■ سوال من این بود که نمی‌ترسید این صدای تیز تماشاگر را آزار دهد؟

اذیت می‌کرد. بحث این است که نوازندگی ما در این کار به تمامی کشف و تبدیل و تغییر بود. مثلا استفاده از سنتور ۱۲ خرک کار آسانی نیست. در حالی که شما با سال‌ها و مدت‌ها با سنتور ۹ خرک ساز زده‌اید. کلا یکی از ویژگی‌های اصلی این کار دیگر همه ما بود همین نوتگریستن و تجربه‌های تازه‌ای بود که در مسیر تمرین‌ها شکل می‌گرفت. ما دنبال یک صوت زیبا بودیم. این تجربه در هیچ گروهی اتفاق نیفتاده بود. در گروه‌های دیگر نوازنده سنتور نمد مضراب را برمی‌دارد که صدای سنتورش بیشتر تیز باشد و بیرون بزند. یا اینکه زیر ساز جعبه مضراب می‌گذارند تا صدا طنین بیشتری پیدا کند. اینها همه مربوط به ابزاری بود که ما در اختیار داشتیم. از طرف دیگر نوازنده و شخصیت هنری‌اش مطرح می‌شود. این بخش از کار اهمیت بیشتری دارد. در واقع توانایی‌های نوازندگان در به‌کارگیری این ابزار آن است که کارکرد مستقلی به آن ابزار می‌بخشد.

■ با این وجود تنظیم این قطعات بسیار دشوار و ظاهرا سرانه به نظر می‌رسد. درست مثل یک فیلمنامه خوب که پیش از اجرایه درستی دکوپاژ شده باشد. فکر می‌کنم این قطعات قبل از اینکه به اجرا دربیاید برای لحظه‌لحظه‌اش فکر شده است.

برای همین است که پنج سال بدون اجرای کنسرت دوام آوردیم. سختی کار این بود که پیش از ما کسی تجربه‌ای نکرده بود تا ما کوچک‌ترین الگویی داشته باشیم. ما به‌طور رسمی از صفر شروع کردیم و در مسیر آزمون و خطا به این ترکیب رسیدیم.

■ آیا در مسیر ساخت و نوشتن قطعات به موسیقی هارمونیک هم فکر می‌کردید؟

صد در صد. سنتور سازی است که خود به خود این نوع نگرش را می‌طلبد. مثلا سازهای سازی مثل ویولن که چهار تا سیمش در یک مسیر نیستند. نمی‌توانید حالت‌های هارمونیک پیاده کنید اما سازهایی مثل پیانو و سنتور اینگونه نیستند. پس ما هم در این اثر از موسیقی هارمونیک استفاده کرده‌ایم.

■ یک نگاه تداعی‌گر و تصویری در رپرتوار «ز بعد ما» به چشم می‌خورد. حتی وقتی به اسامی قطعات دقت می‌کنیم، متوجه این موضوع می‌شویم. ریشه این نگاه تصویری چیست؟

من شخصا موسیقی تداعی‌گر را به هر نوع موسیقی ترجیح می‌دهم. سنتورسازی است که بیش از هر ساز دیگری تداعی‌گر است. مثلا قطعه گریز که اثر آقای بهرامی است، کاملا تداعی‌گر گریز است. برای همین بود که ما سعی کردیم این تداعی را حتی از راه تصویر کنسرت (DVD) به مخاطب انتقال دهیم. یعنی نرفتیم نسخه صوتی اثر را ضبط و منتشر کنیم. شاید گفتن نداشته باشد اما ما ۵ برابر یک سی‌دی صوتی هزینه و زمان بردیم تا این تفکر و حالت تداعی‌گر را منتقل کنیم. نزدیک به بیش از ۱۰۰ ساعت کار استودیویی انجام دادیم که خیلی‌ها راحت‌تر می‌توانند انجام دهند. در واقع کاری که فقط روی صحنه اتفاق شده، ما ساعت‌های مدیدی رویش کار کردیم تا از کیفیت صوتی برخوردار باشد. کار ما تصویری است و مردم ناچارند از طریق تلویزیون آن را تماشا کنند. Speaker‌های تلویزیون معمولا برای گفتار ساخته شده‌اند و نمی‌توان برای گوش دادن موسیقی از آن استفاده کرد. همه ما با وجود تمام سلیقه‌های متفاوت ـ در این نقطه اشتراک داریم که رسانه ملی به عنوان یک رسانای فرهنگی می‌تواند گام‌های موثری در زمینه معرفی و پخش موسیقی بردارد. مردم ما واقعا به موسیقی مملکت خودشان علاقه‌مندند اما مدت‌هاست که از این موسیقی در تلویزیون خبری نیست.

نکته دیگر اینکه همه دوستان ناشر از مسائل حاشیه‌ای خود می‌نالند اما با وجود علاقه‌ای که مردم برای دیدن هنرمندان محبوب خود دارند، نمی‌آیند روی فرمت تصویر سرمایه‌گذاری کنند. حرف من این است، در جایی که دیده نشدن دارد موجب انقراض یک فرهنگ می‌شود، بهتر است یک هنرمند هر ۵ سال یکبار کار کند، اما کارش به صورت تصویری درآید و مردم هم بتوانند آن را ببینند.

نکته جالبی که باید برای شما بگویم این است که با وجود مخالفت خیلی از دوستان، روی DVD (ز بعد ما) قفل نگذاشتم تا هر کس توان خرید نداشت به ۲۰۰ تومان یک نسخه برای خودش رایت کند. بهترین هدیه برای ما موزیسینی این است که به دل و به خانه مردم راه پیدا کند.

مانند صدای کشش اعضای گروه ما سال‌ها است که به شکل‌های حرفه‌ای در گروه‌های مختلف ساز زده‌اند. ما دنبال این بودیم که گروه سنتور و توسط همین سنتور کمبود سازهای کششی را جبران کنیم. اگر قطعه شالیزار را دقت کنید متوجه می‌شوید که صدای کششی تداعی کننده متوجه می‌شوید که صدای کششی تداعی می‌شود. ما با کم کردن حجم مضراب، بزرگ‌تر کردن نمد و کوچ زدن بخشی از نمد سازه که خورده نشده و دور شدن از خرک سعی کردیم این حالت را تداعی کنیم. البته این صدا شبیه خود است.

■ ستور سازی است که از صدای نیز و زنگ برخوردار است و تصور اینکه یک روز پنج ستور

حرف امروز

محمود توسلیان

باز این چه نوحه و ...!

با خود می‌اندیشم که چقدر خوب است ادبیات ما همیشه جنبه‌ای کنایی و دوپهلو دارد و راه را برای تاویل و تفسیر بازمی‌گذارد. به همین بیت معروف توجه کنید:

باز این چه شورش است که در خلق عالم است
باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است

مصراع دوم این بیت می‌تواند در وجهی دیگر نشانه‌ای از احوال روزگار ما در ایام عزاداری سالار شهیدان و سرور آزادگان عالم باشد. واقعا در تعریف برخی از مداحی‌ها و عزاداری‌ها باید گفت باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است.

متاسفانه در سال‌های اخیر در پی رواج برخی از موسیقی‌های بی‌هویت و بی‌ریشه و اساس نوعی از نوحه‌گری و مداحی ساب شد که به‌هیچ‌وجه من‌الوجوه در شأن اهل بیت و ائمه اطهار نیست. نگاهی به گذشته این سنت والا و مراجعه به آثار گذشتگان این حوزه به خوبی نشان می‌دهد که این حرفه یک فن کامل هنری تلقی می‌شده که هر کسی با یارای ورود به آن ساحت نبوده است.

سال‌ها باید پای منبر بزرگان مذح و مقبت می‌نشستی تا اندک‌اندک می‌توانستی به این محیط آمیخته به تقدس وارد شوی. سنگینی و قاعده‌مند بودن عزاداری اصل مهم برگزاری مجالس عزا بود که اقدام مضاعف در آن روش می‌زد. در این روش استفاده از اشعار استوار و درست و از آن مهم‌تر درست خواندن آنها بسیار مهم بود و هر کس که می‌خواست این کار را بکند باید بهره‌ای از نشاخت و عرفان می‌داشت. این مقولات گویای ارزش، احترام و جایگاه والای این هنر قدسی بود.

اما متاسفانه امروز این رویه کاملا برعکس شده و فضاهای کذاب در اطراف این محیط مقدس جوانان خام و بی‌تجربه را به سمت خود کشانده است. آنها بدون کوچک‌ترین شناختی از سیره امام حسین علیه‌السلام گام در وادی مداحی می‌گذارند و با توجه به آموخته‌ها و دانشه‌های ناچیز و غلط خود سعی می‌کنند مجلس عزاداری برپا کنند. در نتیجه اشعار خودساخته بی‌وزن و قافیه خود را روی ملودی‌های سخیف و کلمه‌رزش لس‌آنجلسی می‌گذارند که بی‌شک عاقبت خوبی نخواهد داشت. به‌نظر می‌رسد در این میان نهادهای فرهنگی دولت می‌توانند با یک برنامه‌ریزی دقیق وارد گود شوند و این میسر متعالی را برای علاقه‌مندان به این حرفه مقدس بگشایند.

موسیقی، وسیله‌ای برای پرکردن آنتن

اگر یادتان رفته باشد، هفته گذشته در همین صفحه و آن پایین، خبری درج کردیم مبنی بر راه‌اندازی رادیو موسیقی به بهانه یک شبکه به نام رادیو تجارت اما گویا قائم‌مقام معاون صدا، پخش موسیقی از فرکانس شبکه رادیویی تجارت را فرصتی را فقد اقدامی برای پرکردن آنتن شبکه و این اقدام را متفاوت از راه‌اندازی یک شبکه مستقل رادیویی دانست. واقعه آدم درمی‌ماند از این جمله‌ها و از این اظهارنظرها. نمی‌دانم شما اسم این نگاه و نظر را چه می‌گذارید ولی بی‌شک جسارت نمی‌تواند باشد چون جسارت در ابتدای امر و فی‌نفسه چیز بدی نیست اما وقتی خیلی صریح می‌گویند ـ که هنر اول است و متعالی‌ترین هنرها ـ در حد یک ابزار برای خالی‌نماندن آنتن و پرشدن یک شبکه، مطرح و مورد استفاده قرار می‌گیرد، باید رسما اعلام تاسف کرد.

اما این رشته سر دراز دارد و از دیروز تا امروز به حیات نسلامت خود ادامه داده است. مدت‌هاست که صداوسیما به اشکال مختلف، رادیو موسیقی مورد می‌بهری قرار داده است. این بی‌مهری از پخش غیرقانونی آثار شروع شده و تا استفاده‌های ابزاری، مناسبتی و حتی نصفه و نیمه بخش‌کردن آثار هم رسیده است.

با چنین اوضاعی خیلی ساده از گرایش جوانان به موسیقی‌های بی‌ارزش زیرزمینی انتقاد می‌کنند! آیا لازم است تا این حد ساده‌لوحانه با موضوع موسیقی، به‌ویژه موسیقی ایران سخن بگوییم و آن را به روابط روزمره بکشانیم؟

موسیقی بسیار والاتر از آن است که قرار باشد به‌واسطه آن، آنتن یک شبکه رادیویی ـ آن هم رادیو تجارت که هیچ سنخیتی با موسیقی ندارد ـ پر شود. فراموش نکنیم که موسیقی ایرانی بخش بزرگی از فرهنگ غنی و تمدن ایران‌زمین است.